

برخوردخودروهایسنگ دربزرگراه آزادگان



رخور د شدید سـه خـودروی سـنگین در زرگـراه آزادگان بـا یکدیگر، ۷ مصـدوم بر جا نداشت. در پی تماس شهروندان با سامانه ۱۲۵ زرگُــراُه آزادگان بــا یکدیگر، ۷ مه و اطلاع رسانی حادثه برخورد شدید سه دستگاه خودرو بـا یکدیگر، سـتاد فرماندهی سـازمان أتش نشاني تهران بلافاصله ساعت ۲۰: ۱۵ , وز یکشنبه آتش نشانان ایستگاههای ۸۱،۱۲ ه و گروه امداد و نجات ایسستگاه ۳۸ را به غرب به شسرق رر. بزرگراه آزادگان، شهرک مرتضی گرد اعزام کرد. در محل حادثه یک دستگاه اتوبوس(سرویس کار کنان) با چندین مسافر بهشدت با قسمت _تگاه کامیونت خاور برخورد کرده و از مســير اصلى منحرف شــده بود و پس از آن نیز با یک دستگاه کامیونت ایسوزو و گاردریل وسط بزرگراه برخورد کرده و درنهایت در مسیر رسیبر طرح بر خوره برای و درجه یک در سیر مخالف متوقف شده بود. با توجه به نشت شدید گازوییل از خودروها و محبوس شدن مسافران خـودروی اتوبـوس، آتش نشـانان بلاقاصله به



یم شدند؛ یک گروه با قطع برق خُودرُوُها و قــراردادن علايم هش بمن سازی محل حادثه برداخته و از آتش سوزی -حتمالی جلوگیری کردند و گروه دیگر به کمک ،حبوس شـدگان داخــل اتوبــوس رفته و پس از خارج کــردن ۷ نفر از داخل اتوبــوس، آنان را برای مــداوابه عوامــل اورژانس تحویــل دادند. آتشنشانان پس از تحویل محلّ حادثه به عوامل انتظامی به مأموریت خود پایان دادند.

آش دستفروش 20 تن از اهالي شهررا روانه بيمارستان كرد

۲۰ تن از اهالي شهر بردخون در شهرستان دي به دلیل مصرف آش مسموم راهی مرکز درمانی این

، ین اتفــاق شــامگاه یکشــنبه پــس از صرف افطار برای شــهروندان رخ داده اســت. سرپرسُت روابط عمومی دانشــگاه علوم پزشــکی بوشــهر با تأیید این خبر گفت: طبق بررســیها، خریداران ر ـــان بر ـــانســتغروش دچار این مسمومیت شده و به مرکز درمانی شهر انتقال یافتهاند سیدمجند حســـینی افزهد: خــ^ و ارایه دارو، افراد بهصورت سسرپایی درمان شده وُنیازی به انتقال آنها به بیمارستان نبوده است. حسینی با تشکر از خدمات رسانی بهموقع و سریع سینی، سور را سندسریسی، بوسی رسری مرکز درمانی بردخون به این بیماران، افزود: مرکز درمانی این شهر از افراد ساکن در منازل افراد مسموم شده نمونه گیری کرده تا در صورت وجود مســمومیت، اقدامات درمانی در اسرع وقت انجام شــود. این مقام مســئول بیان کرد: با هماهنگی صورت گرفته میان بخشداری، شهرداری و نيروى انتظامى از فعاليت دستفروشان موادعدايي ۔ خصوصاً آش در شہر بردخون جلوگیری میشود ر کی از میران کرد. سرپرســـت روابط عمومی دانشــگاه علوم پزشکی استان از شهروندان خواست تا از خرید موادغذایی از دستفروشان خودداری کنند، چرا که نظارتی بر نتی فعالیت آنها وجود ندارد و در صورت بروز مشکل،امکان پیگیری های بعدی دشوار است.



10سال تلاش برای خارج شدن از لیست مردگان

مرد ۴۶ســاله ترکیهای ۱۰ســال طول کشید تا ثابت کندهنوز در قیدحیات است. این مرد که اسمش بهاشتباه در فهرست اموات تر کیه ثبت شده ود برای اثبات زنده بودنش ۱۰ ســال تلاش کرد. سینان آوسی»،سال ۲۰۰۳بهبیماری صرع مبا شد او به خاطر این بیماری دیگر نتوانست سر کار برودو ناچار به بازنشستگی اجباری شد. او یک سال حقوق بازنشستگی دریافت کرداما درست یک سال بعد متوجه شــد حقوق بازنشُستگیاش پرداخت نشده اســت. این مرد خیلی زود پیگیر ماجرا شد ولی در کمال تعجب، نامش را در فهرست اموات پیدا کرد. او خیلی سعی کرد به مسئولان ثابت كندنم ده وبايد اسمش از ليست مردگان خارج شود ولی کســی حرف او را باور نمی کرد. آوسی به خبر گزاری دولتی ترکیه گفت:به من گفته شدفوت کردهام در حالی که واقعا زنده هستم. در حال حاضر ﻪُﺩﻟﻴﻞ ﺑﻴَﻤـــارى|مُ ﻭ اﻳﻦُﻛﻪﺑﻨﺎﺑﺮ ﻣﺬﺍﺭګُ ﺩﻭﻟﺘﻰ ﺩﺭُ كشور رامتقاعد كندكه هنوز نمرده هرچند درحال حاضر با چالش دیگری روبه روست و این که حُقوق برداخت نشده در این سال هابه او تعلق نمی گیرد.



روايتمعاونبانكملياز 6روزاسارت درغار كوهستاني

یک روستا در آذربایجان غربی به استقبال مرد گروگان رفتند

که توجهام را در این خـودرو جلب کرد این بود

نه نوجهام را در این خصورو چنب ترد این بود. که هم راننده و هم مسافری که سوار شد ماسک فصلسی زده بودند. بـا این حال تصـــور نمی کرد حادثه شـــومی در انتظارم است تا این که ناگهان مرد مسافرنما اســلحهای را به سمت من گرفت. پلافاصله با او در گیر شــدم. در گیرودار در گیری

اسلحهاش را از ماشَـين بيرون انداُختَم و سعّى كردم خودم را هم بيرون پرت كنم؛ اما راننده با

ـــپری فلفل به صور تم حملهور شد و به همین

خاطــر دیگر قــدرت مقاومت نداشــتم. پس از مدتی در یـک مکان نامعلوم خــودرو را متوقف

کردند و موبایل و کارتهای بانکیام را گرفتند. ابتدا درخواست ۳۵میلیون تومان کردند؛

يولني كه البته هر روز رقمش افزايس پيدا

می کــرد و بعــد از چنــد روز گروگانگیــری درخواست بیشتری داشــتند. فرصت تماس با

رئیسُ بانک ملے را جهت واریے مبلغ فوق به حساب یکی از کارتھایم در اختیارم قرار دادند

و دوباره چشمهایم را بستند و به مسیر خود که

هرچند ساعت یک سار با موبایل خسودم مرا

وادار ُ می کردند با یکــی از اُفراد خانواده در مورد پرداخت پول تماس کوتاهی داشــته باشــم. به

دلیل این که با چشــمان بسته مرا به این طرف و

اطلاع دقيق نداشــتم، فقط مي دانســتم از شب

طرف میبردند از موقعیت جغرافیایی خودم

زُ قَبُلُ برنامه ريزي كرده بودند، ادامه دادن

شهروند مرد گروگان وقتی ۶ روز در غار کوهستانی به اسارت آدم ربایان درآمد هر گز تصور نمی کـرد پلیس عملیات گسـتردهای را برای پیدا کردن ردی از او آغاز کرده اسـت. این ر و پیت مرد ربوده شده وقتی صدای پرواز هلی کوپتر را بر فراز آسمان شنید، فرصت فرار پیدا کرد.

بر عرور استان استاد الرحات الرودية الرحاد الششم تيرماه امسال روز خوبي براى «احمد مجيدي» معاون بانک ملي اشانويه نبود. عقربه ها ساعت ۷ صبح را نشان مي داد که او مانند روزهای قبل از خانهاش بیرون آمد، غافل از این که چند مرد مرموز نقشه هولناکی را برای ریت ربودنش طراحی کردهاند. از خانه که خارج شــد هنوز چند قدم بیشتر

برنداشته بود که یک تاکسی در مقابل پایش توقف کرد. راننده ماسک فصلی زده بود و سعی می کرد با خونسردی به رانندگی اش ادامه دهد تا این که با سُـوار شــدُن یک مسافر دیگر سناریوی آدمربایی آغاز شد. مسافر تاکسی هم با زدن ماسک فصلی توجه معاون بانک را جلب بردن مست مستی تو به مسون بده رخ بینید کرده بود که ناگهان ورق برگشت. مرد مسافرنما در یک چشم بر هم زدن اسلحماش را بیرون کشید و طعمهاش را به دام انداخت و به ، مقصد نامعلومی حرکت کردنید. ۶ روز زمان کافی بود تا کارمند بانک در عملیات منسیجی ویه نجات پیدا کند

بس اشنویه نجات پیدا کند. گروگانگیــران در تماسهای تلفنی با خانواده

رر کرد در هنگفتی کرده بودند و پلیس هر روز یک قدم به گروگانگیران نزدیک تر می شد. سرانجام پس از ۶ روز و با انجام تحقیقات و

عملیاتُ ویژه پلیسَـی مُحُلُ اختفای ربایندگانُ در خــارج از شــهر شناســایی شــد و نیروهای

۶ روز سخت در اسار تگاه گروگانگیران تا لحظه آزادی اش دارد.

بن از خانه بود، شدم. غافل از این که سرنشینان

گروگان در ازای آزادســازی او درخواس

امنیتی و انتظامی روز جمعه در یک عملیات ضربتی موفق شدند با دستگیری ۵ گروگانگیر، کارمند بانک را آزاد کنند.

معاون بانک ملی با حضور جمعی از مسئولان در روستای «بیمظرته» تحویل خانوادهاش شد و اعضای خانواده او از نیروهای امنیتی و انتظامی به خاطر آزادسازی وی قدردانی کر دند.

رور ست و سخت و نفسگیر را احد مجیدی که ۶ روز سخت و نفسگیر را همراه با داده در مخفیگاه آدم ربایان سپری کرده بود، روایت عجیبی از آغاز گروگانگیری

این کارمُند بانیک درباره روزهای اسیارتش این –رد. گفت: «ساعت ۷ صبح روز شــنبه ۶ تیرماه بود که به قصد رفتن به سر کار از خانه خارج شدم. پس از چند قدم سوار تاکسی که منتظر خروج این تاکسی نقشه ربودنم را کشیده بودند. چند متر آنطرفتر مسافر دیگری سوار شد. چیزی

اول به بعد مرا در دل کوه مخفی کردند و بیشتر ری... ر ر ر بر ارد... ر ر ر ر آفتاب سـوزان مجبور به تحمل شرایط نامساعد جوی بودم. تــا این کــه صبــح روز جمعــه درحالی کــه

پسسهاسیم. در حــال نگهبانی از من بود، صــدای هلی کوپتر را شــنیدم. احســاس کردم که قرار است اتفاق ر حسیت به نود که خوبی بیان در در می نود که تا در دیک تر شدن صدای هلی کوپتر محافظ اول من نیز پا به فرار گذاشت و وقتی مطمئن شدم در تُ چشم بُندُم را به سختی کنار زُدم واز غار بیرون آمدم. در حالی که دسـ سروع به دویدن کردم تا از اسار تگاه فاصله

حمـد مجیـدی دربـاره آزار و اذیـت گروگانگیران و نحوه رفتاُرشـــان گُفُ ـمى تاروز قبل از رهاييم كسى مرا شكنجه . نداد ولی به لحـاظ روحی و روانــی و همچنین کمبود آب بســیار در سختی و عذاب بودم. یادم است در آخرین روزها فرصتی بسرای فرار پیدا کردم اما آنها متوجه شدند و با یکی از آدمربایان در گیر شدم.

چشمه هایم بسته بود و یکسی از گروگانگیران بگیرم. افرادی را در دوردست دیدم و با صدایی بلند فریاد زدم. ماموران نیروی انتظامی بودند و بلافاصله من را از چنگال گروگانگیران نجات دُادند. همزمان با این موضوع ماُموران بُه تعقیب گروگانگیرها رفتند و آنها را دستگیر کردند.

<u>کلاهبرداری۲میلیاردی</u> فروشندگان سهام بیمار ستان «جم»

شهروندا زن و مردی که در قالب خریدسهام سرمایه گذاری در بیمارستان جم تهران طعمههای خودراشکار می کردنددر دام پلیس گرفتار شدند. ۲متهم پر ونده در مدت یک سال، ۲میلیار د تومان

بهجیبزدهبودند. طريق اطرافيان وبجه محل هاي منطقه مرتضى گرد در اواخر سال گذشته و طرح شکایتهای مشابه

از سوَّى تعُدادى از شهروندان مشخص شد كه زن و . شوهری تحت عنوان «فروش سهام بیمارستان جم تهران» اقدام به دریافت پسول از آنها کرده اما پس از گذشت چندماه وبدون آن که سهامی به مالیاختگان تحویل و یا حتی اُصل پول آنها را باز پس دهند، ناگهان ناپدید شده و به این شیوه و شگرد اقدام به كلاهبرداري از آنها كردهاند.

با تشکیل پرونده مقدماتی با موضوع اکلاهبرداری و به دستور رئیس شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی بخــش آفتاب، پرونده جهت رســیدگی در اختیــار پایگاه نهم پلیس آگاهی تهــران بزرگ قرار گرفت.

. مالباختگان در اظهاراتی مشابه عنوان کردند که زن و شوهری جوان به نامهای «زهر» و «محسن» باطرح ادعای این مطلب که کار مند بیمار ستان جم تهران بوده و به این واسطه قادر به واگذاری سهام بیمارستان برای سایر افراد هستند، از هر کدام از ... مالباُختگان پولهای میلیُونی دریافت و ُدر چند ماه نیز مبالغی را تحت عنوان سود سهام به آنها پرداخت و پس از آن متواری شدهاند. یکی از مالباختگان که شکایت اولیسهاش در

یسی ارتبار ۱۷۱ مصطفی خمینی مطرح و به مرجع کلانتری ۱۷۱ مصطفی خمینی مطرح و به مرجع قضایی ارسال شده بود، پس از حضور در پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ بـه کارآگاهان گفت: «از

بنوان سود سرمایه گذاری به آنها برداخت کردهاند؛ از طُريق يُكي ازُ دوســتُان كه او ْنيزْ پسانداز خُود را نر قالب خرید سے ام در اختیار این زن و شوهر قرار داده و در مدت یک سال گذشته نیز سود خوبی به او پرداخت شــده بود، به این زن و شوهر معرفی شدم. باصرارهای من آنها قبول کردند تا من نیز به عنوان سهام گذار اقدام به سسرمایه گذاری کنم؛ با توجه به اطلاعاتی که درخصوص سابقه و به ویژه شهرت بیمارستان جم تهران پیدا کرده و تصور می کردم که فرصت مناسبی برای سرمایه گذاری فراهم شده، اقدام به پرداخت مبلغ ۱۰۷ میلیون تومان به این زن و شــوهر کردم؛ پس از مدتی وعده و وعیــد، مبالغی تُحتَ عَنوَانَ سُودُ به مَنَ پرداخَتَ شَدَّاماً پِس از چند ماه ناگهان این دو نفرِ ناپدید شدند و هیچ کس ِ از آنها طلاعيْ نداشت». كار أَ گاهان پايگاهنهُ ۾ پليس آ گاهيْ تهران بزرگ با مراجعه به بیمارســـتان جم تهران و بررسی سوابق پرســنل آن اطمینان پیدا کردند که

بررسی سوبق پرستس ری مسیس پید. برد-محسن متولد ۱۳۶۴ و زهره متولد ۱۳۶۷، هیچ کدام دارای سابقه استخدام و یا اشتغال در بیمارستان

جم تهران را نداشته و أنها تنها بااستفاده از عنوان

اطلّاع پیداً کردم که دو نفر از اهالی ساکن در من

که گویا پر سنل بیمار ستان جم تهران هس

یمارستان اقدام به کلاهبرداری از طعمههای خود . درادامه،کارآگاهان,باشناساییمحلهایسکون ن ن و زهره در منطقه مرتضى گرد به تحقیق از اعضای خانواده ایس دو نفر پر داختند اما آنها مدعی شدند که هیچ ارتباط و یا اطلاعی از محسن و زهره ندارنداقدامات پلُیسی جَهت شناسایی و دستَکُیری متهمان در دستور کار پایگاه نهم پلیس آگاهی قرار داشت تا نهایتا مُخفَیگاه آنها در منطقه شیهری شناسایی و پس از اطمینان از حضور این زن و شوهر، هر دونفر آنهارا دستگیرو به پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ مُنتقل کردند که هر دو متهم به کلاهبرداری|زمالباختگان|عترافکردند.

در بیمارستان جم تهران اقدام به دریافت ۲میلیارد تومان زمالباختگان کردهاند». ۔ سرهنگ حسین زارع بااشاره به مدت یک ساله

بیش از یک سال ۲ تبه کار پُس از دریافت پول های میلیونی از مالباختگان، با انجام مانورهای متقلبانه قسمتی از اصل پول مالباختگان را در قالب پرداخت سود سرمایه گذاری به آنها باز پس می دادند تا به این شیوه و شگر داقدام به فریب سایر افراد کرده واز سوی

وست. رئیس پایگاه نهم پلیس آگاهی تهــران بزرگ در رئیس کر گفت: «متهمان با به دست آوردن بایان ایس خبر گفت: «متهمان با به دست آوردن بیش از دومیلیارد تومان، در اواخر سال گذشته متواری شــدند که خوش ختانه بالنحساء اقدامات گسترده پلیسی، دستگیر و به اقدامات کلاهبرداری خود اعتراف کردند؛ از کلیه شاکیان و مالباختگانی که به این شیوه و شگرد و تحت عنوان واگذاری سهام بیمارستان جم تهران مورد کلاهبرداری قرار



سهم بینمارستان جم بهران مورد عربمبرصری عرر گرفتهاند دعوت می شود تا جهت پیگیری شکایت خود به پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگواقع در شهرری خیابان آستانه مراجعه کنند».

بازداشت ۱۲ ماهیگیر ایرانی از سوی گاردساحلی هند

به علاوه ۲ شناور گار دساحلی به سرعت برای انجام اقدامات شناسایی گار د ساحلی هند به یک قایق مشکوک شد و ۱۲ ماهیگیر ایرانی ن رابازداشت کرد. روز ۳جولای، گارد ساحلی هند گزارشی از پلیس کرالا مبنی بر حرکت یک «کشتی ماهیگیری مشکوک» در حدود موثر و متوقف کُردن ایس لنج اعزام شدند. بلافاصله تحقیقات در این باره آغاز شدو این قایق متوقف شدو گارد ساحلی هنداین براه عبین بر خر بت یک «نستی ماهیدیری مسئو به «ر خدود» ۱۰۰ کیلومتری غرب منطقه آلاپوزشها دریافت کرد در این گزارش آمده بود که این قایق احتمالا در حال انتقال کالای قاچاقها باارزشی در آبهای آزاد بوده است، با دریافت این اطلاعات، گار دساحلی اقدام به آنالیز وضع و اعزام یک هواپیمابرای اقدامات شناسایی کرد. همچنین ماُهوارهایُ و یک کارت شناسایی پاکستانی در جریان تفتیش این لنج

این خصوص ثبت کردو ۱۲ خدمه کشـــتی را باز داشــت کرده است. همچنین تحقیقات در این خصوص آغاز شده است. کشتی و خدمه آن برای انجام تحقیقات بیشتر به مقامات پلیس تحویل داده شدهاند. تحقیقات مشتر کی از سوی اداره اطلاعات ستری، پلیس محلی و کارشناسان علمی در حال اُنجام اُست. این کشتی در رُوز ۲۵ ماه می بندر کلات در پاکستان را ترک کرده بود.

با توجه بــه دلایل و مدارک به دســت آم اعتراف متهم بــه در گیری با مقتول و بس عناصر حیاتی گردن وی بهوسـیله کمربند که مناصر حیاتی عران وی بهوستید عمرسان منجر به فشار شدید به گردن و مرگ ناشی از خفگی شده، متهم جهت انجام مراحل تکمیلی خافتیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ







رت بود. شــامگاه ۱۲ اســفندماه ســال ۹۳، ماموران کلانتری ۱۲۸ تهران نو جسد پسر ۳۰ سالهای را داخل حفره فاضلاب واقع در اتوبان شــهید

یسینی پید، نردند. بررسیهای اولیه نشان میداد که دست و پا و گردن این پسر از پشت سر با پارچه و کمربند

---باانتقال جسدبه پزشكى قانونى و بررسى تي پزشمکی مشخص شمد که علت مرگ ناشی از فشار بر عناصر حیاتی گردن بوده است؛ پرونده مقدماتی با موضوع «قتل عمد» تشکیل و به دستور شعبه ششم بازپرســـی دادسرای ناحیه رر ۲۷ تهران، پرونده جهت رسیدگی در اختیار اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی تهران بزرگ

قرار گرفت. برر سرت. با آغاز رسیدگی به پرونده، کارآگاهان پلیس آگاهی در اولین مرحله از تحقیقات هویت پسر ناشناس به نام «علیرضا» ۳۲ ساله را شناسایی کردند و ماموران توانستند خانواده او را در یکی

از شهرهای شُمالی کشور پیدا کُنند. تحقیقــات از خانواده مقتول در دس كار آگاهان قرار گرفتُ و مشخصٌ شُد كه عليُرضاً چند روز قبل از مرگ و پس از مرخصی گرفتن از محل کارش واقع در یک پیتزا فروشی در رده سی در می واجه پیرو بروسی در منطقه نارمک تهران - میدان نبوت، به محل زندگی خانوادهاش در شیمال کشور رفته و درحالی که نزدیک به ۴۰۰هیزار تومان پول ر کی گرد. و یک گوشــی تلفن همــراه بــه ارزش تقریبی یک میلیون تومان همراه خود داشــته به تهران

یا: گشته اس . باتوجه به اطلاعات بهدســت آمده از خانواده علیرضا مبنی بر این کـه وی در زمان مراجعت سیرت سبعی بر بین سے وی در رسی طر بست به تهــران «پول» و «گوشــی موبایــل» همراه داشته اما در زمان کشف جسد هیچ کدام از این اموال از وی کشف نشده بود، لذا بررسی فرضیه «رتکاب جنایت با انگیزه ســرقت» در دستور کا، کا، آگاهان قرا، گرفت.

بررسی سوابق علیرضا نشان داد که وی پیش از این به مصرف موادمخدر از نوع شیشه اعتیاد ر بین. داشـــته اما اظهارات خانــوادهاش حکایت از آن داشـــت که او ظاهرا اقدام به ترک مصرف مواد کرده بود؛ طرح موضّوع تـرک اعتیاد مُقتول از سوی خانواده در حالی مطرح شده بود که محل کشُف جسد مکانی است که معتادان در آنجا اقدام به مصرف موادمخدر کرده و در همانجا نیز زندگىمىكنند.

رت کی بھی صفحہ در ادامہ رسیدگی ہے پرونسدہ، کارآگاھان با انجام تحقیقات پلیسی اطسلاع پیدا کردند جوانی به نام «کاظم» (۳۰ ساله) که به مصرف وادمخدر از نوع شيشه اعتياد داشته و قدرت بدنی نسبتاً خوبی برخوردار بوده و معتادان نیز به نوعی از او حساب می برند، اقدام به زورگیری افراد مراجعه کننده به محل پاتوق معتادان واقع ر ، , حفره فاضلاب محل کشف جسد می کند؛ ۔ ـایی هویــت کاظم، ســوابق وی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که او یکی از مجرمان سابقه دار در زمینه سرقت، زورگیری و موادمخدر بوده که به تازگی از زندان آزاد شده

با توجه به دلایل و شــواهد به دس احتمال وقوع جنايت توسط كاظه، محل ۱۰۰۰ سکونت وی در منطقه تهرانپــارس –خیابان ۲۱۶ شرقی شناسایی و کارآگاهان او را دستگیر

كاظم پــس از انتقــال بــه اداره دهم پليس آگاهی در اظهارات خود به در گیری با مقتول اعتراف کرد و به کار آگاهان گفت: زمانی که به داخل حُفره فاضلاب مراجعه کردم، از طریق به ما سرحه برا بید افراد معتادی که در آنجا زندگی می کردند به من خبر دادند جوانی که گویا پیش از این نیز به ر این از این از این از این از این از این از این مصرف مواد به آنجا آمده است؛ با مراجعه به این جوان و دیدن ظاهر مرتب وي اطمينان پيدا كردم كه او حتما با خود پُسولُ و آموال باارزشیی دارد و به همین علت تصمیم به زور گیسری گرفتم اما او در برابر من مقاومت کرد؛ به همیــن علت و برای آن که مابقی معتادان حســاب کار خودشان را داشته باشند، با او در گیر شدم و پس از اَن که با تهدید چاقو اقدام به زور گیری گوشی تلفن همراه و پولهای همراهش کردم، دسـت و پا و گردن پوریدی میرندس طرحه مست و پ و طرحن وی را با پارچه و کمربند بسته و در همان وضع رها کردم و افراد حاضر در صحنه را نیز تهدید رده کوه کسی حق کمک کردن به آن شخص راندارد و دیگر اطلاعی از مرگ وی ندارم ٍّ.

ـر پلیـس تیرووانانتاپورام، گفـت: پلیس یـک پرونده در